پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین الملل، دورهٔ ۱۲، شمارهٔ ۱، شمارهٔ پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
دورهٔ انتشار: شش ماهنامه * شاپا چاپی: 2322-3472 * شاپا الکترونیک: 2717-3402
https://doi.org/10.22067/irlip.2023.74684.1220
مقالهٔ پژوهشی
تاریخ دریافت : ۱۴۰۰/۱۰/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۱

اقتصاد سیاسی تعاملی/ پراکنشی؛ الگوی نوین قطر در قدرت‌سازی ژئوپلیتیک

سمیه حمیدی[1]
احسان مزدخواه[2]

چکیده

الگوی همگرایی اقتصادی در چارچوب اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی در جهان امروز الگویی نظم‌ساز در سیاست جهانی است که پیگیری آن به قدرت‌سازی و کسب اعتبار و وزن بین‌المللی کشورها کمک می‌کند. اقتصاد سیاسی تعامل‌محور و پراکنشی، از دهۀ ۲۰۰۰ میلادی در ساختار سیاسی قطر، به‌عنوان یک ضرورت گریزناپذیر در راستای تولید قدرت منطقه‌ای-بین‌المللی مطرح شد. گزینش این رهیافت از سوی نظام حکمرانی قطر، به‌این‌معناست که این کشور می‌بایست با خوشه‌سازی ارتباطی و شبکه‌سازی در سطح منطقه و فرامنطقه، به اصل ارتباط پایدار اقتصادی و سیاسی برای تأمین منافع و کسب وجهۀ بین‌المللی به‌عنوان یک کنشگر فعال و متوازن، عمل کند. اکنون پرسش این است که «الگوی اقتصاد سیاسی قطر، به‌عنوان مؤلفۀ تولید قدرت در نظام بین‌الملل، چگونه عمل کرده است؟» و «این الگو دارای چه ویژگی‌هایی است؟» پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و بررسی اطلاعات اقتصادی قطر در پی تبیین ژئواکونومی تعاملی قطر از منظر اقتصاد سیاسی، به‌عنوان پایۀ قدرت‌ساز این کشور در نظام بین‌الملل است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که ابعاد تعاملی اقتصاد سیاسی قطر در پی انطباق‌گرایی و خودگسترشی در نظام بین‌الملل است.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد سیاسی تعاملی -پراکنشی، ژئوپلیتیک‌سازی قدرت، الگوهای تعامل اقتصادی، خودگسترشی، قطر

---

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.(نویسنده مسئول) Somaye.hamidi@birjand.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. Ehsanmozdkhah@birjand.ac.ir

Interactive-Dispersive Political Economy: Qatar's New Model for Geopolitical Empowerment

Somaye Hamidi[1]
Ehsan Mozdkhah[2]

Abstract

The model of economic convergence in the context of interactive - Dissipated political economy in today's world is a model of order in world politics, and the pursuit of such a model helps to power - maker, gain credibility and international weight of countries. Interaction-oriented and diffuse political economy Since the 2000s, Qatar political construction has emerged as an inevitable necessity for the production of regional-international power. This approach by Qatar's system of governance means that the country must act as a viable and balanced actor in regional and supra-regional communication cluster-building and networking to a stable economic and political relationship to secure international interests and prestige. The question now is how Qatar's model of political economy has functioned as a component of power generation in the international system, and what are the characteristics of this model? Using descriptive-analytical method and relying on library resources and examining Qatar's economic information, this study seeks to explain Qatar's interactive geoeconomics from the perspective of political economy as the basis for power-building the country in the international system. The results show that the interactive dimensions of Qatar's political economy seek adaptation and self-expansion in the international system.

Key Words: Interactive – Dissipated Political Economy, Geopolitics – Building of Power, Patterns of economic interaction, Self-expansion, Qatar.

---

1. Associate professor of Department political Science, University of Birjand, Birjand, Iran.
2.Ph.D. Student Political Science, Ferdowsi of University, Mashhad, Iran.
Corresponding Author: Somaye.hamidi@birjand.ac.ir

مقدمه

با فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، سازۀ دوبلوکی هژمونی‌خواه تک‌قطبی، جای خود را بـه سـازه‌های قدرت‌یابی متکثر داد. برهمین‌اساس، یکی از مهم‌ترین واقعیت‌های نوپدید در نظام بین‌المللی و رهیافت‌های اقتصاد سیاسی، قدرت‌یابی کشورهای پیرامونی در نظام بین‌الملل بود که ضمن قدرت‌سازی، به امنیت‌سازی در ژئوپلیتیک زیستی خود روی آوردند. درهمین‌راستا، تحولات ژئواسـتراتژیک و ژئواکونـومیکی، سـهم بسزایی در ابعاد تبیینی-تحلیلی اعضـای نظـام بین‌الملـل پیـدا کـرد و در مقیاس‌هـای منطقـه‌ای و بین‌المللـی به‌عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری قدرت و توسعۀ دولت‌کشورها درنظـر گرفتـه شـد؛ ازایـن‌رو، در عصـر پساشوروی و دوران چندضلعی شدن قدرت و خروج از ساختار جهـان تـک‌قطبی، مفـاهیمی ماننـد اقتصـاد سیاسی تعاملی-پراکنشی وارد حوزۀ روابط بین‌الملل شد. به‌بیان روشـن‌تر، در دوران جدیـدی کـه گفتمـان توسعه‌خواهی کشورها در قالب ژئواکونومی مفصـل‌بندی شـده اسـت، دولت‌هـا در پـی افـزایش تعـاملات اقتصادی، چندجانبه‌گرایی، اعمـال الگوهـای چنـدبرداری اقتصـادمحور بـا تأکیـد بـر عقلانیـت ارتبـاطی و همچنین، شبکه‌سازی برای ارتقای ارتباطات اقتصادی خود هستند. در دنیـای امـروز، قـدرت‌یابی و کسـب منافع در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، نوعی الـزام راهبـردی به‌شـمار می‌آیـد؛ به‌گونـه‌ای کـه اسـتفاده از تاکتیک‌های متنوع اقتصادی و اعمال الگوهای متوازن با هر منطقۀ ژئوپلیتیکی، ازجمله رهیافت‌های اقتصاد سیاسـی توسـعه‌گرا و تعامـل‌محور اسـت. در پنـدارۀ تحلیلـی اقتصـاد سیاسـی تعاملی -پراکنشی(فراکنشی)، دینامیک قدرت اقتصادی، درصدد پیوندسازی ارتباطی اقتصادمحور است تا تعادل و پویایی را برای دولت اعمال‌گر به‌ارمغان آورد. براین‌اساس، ویژگی متفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های دیگر این است که بـا نوآوری و نوپدیدگی خوانشی در اقتصاد سیاسی و انطباق آن با یک مورد پژوهش، یعنـی کشـور قطـر، در پی این است که به این پرسش پاسخ دهد که «الگوی اقتصاد سیاسی قطر در سطوح منطقه‌ای-بین‌المللی بـه چه صورت است؟» فرضیۀ موردبررسی نگارندگان این است کـه «قطـر بـه‌عنوان یـک دولـت کوچـک، بـا اعمال الگوی اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی، پرسمان جدیدی از قدرت‌سـازی ژئـوپلیتیکی، یعنـی مطـرح شدن به‌عنوان یک دولت دارای قـدرت کنشـگری بین‌المللـی، را بـه‌وجود آورده و بـا رهیافـت عقلانیـت ارتباطی و همچنین، اتخاذ نوعی رفتـار انطباقی -خودگسترشی در نظـام بین‌الملـل، در پـی کسـب ثـروت و ساخت ژئواکونومی توسعه‌گرا است». برای تحلیـل ایـن فرضـیه از چـارچوب اقتصـاد سیاسـی بـا خوانشـی نوپدید و نوبنیان با عنوان اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی استفاده شده است کـه درعمـل، چـارچوبی بـرای تبیین قدرت عملکردی دولت‌ها در نظام بین‌الملل در راستای دستیابی به توسعه است.

پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۱۲، شمارۀ ۱، شماره پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۱. پیشینهٔ پژوهش

در میان پژوهش‌های داخلی انجام‌شده دربارهٔ قطر می‌توان به آثار زیر اشاره کرد.

مهران کامروا (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی قطر و استفاده از قدرت ظریف[۱]» تأکید کرده است که الگوی نوپدید قدرت برای قطر در راستای تحول‌آفرینی، گسترش نفوذ، و ایجاد شرایط مطلوب برای رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی عمل کرده است. *زیبایی* (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «ظهور قدرت‌های متوسط نوظهور در خاورمیانهٔ جدید: امارات متحده عربی و قطر» اشاره کرده است که الگوهای سیاسی و اقتصادی همواره در ظهور قدرت‌های جدید، به‌عنوان یک پیشران عمل کرده‌اند و قطر نیز با استفادهٔ هم‌زمان از قدرت سیاسی و اقتصادی در قالب یک قدرت نوظهور، درصدد قدرت‌سازی منطقه‌ای و بین‌المللی است. *آدمی و انصاری* (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی با عنوان «اولویت‌های سیاست خارجی قطر در ارتباط با اتحادیهٔ اروپا» به این پرسش که «الگوی بین‌الملل‌گرایی در سیاست خارجی قطر به‌عنوان نوعی الگوی انطباق‌گرا در نظام بین‌الملل با تأکید بر اتحادیه اروپا، چگونه سبب توسعهٔ قطر شده است؟» چنین پاسخ داده‌اند که گزینش راهبردهای توسعه‌خواهانه و غیرتنش‌زا سبب گسترش حوزهٔ ارتباطی قطر شده است. *رنجکش و اصغری‌ثانی* (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «برندسازی در دیپلماسی نیچه‌ای» این‌گونه بیان کرده‌اند که قطر برخلاف رویه‌های جاری نظام بین‌الملل، با استفاده از قدرت بسیج منابع توانسته است بر قدرت بین‌المللی خود بیفزاید و درعمل، اقتصاد این کشور در خدمت قدرت‌سازی آن قرار گرفته است. در میان پژوهش‌های خارجی نیز *اروین توک* و دیگران (۲۰۱۶) در کتاب «سیاست‌گذاری برای تحول‌آفرینی دولت؛ مطالعهٔ موردی قطر» بیان کرده‌اند که حکمرانی مطلوب و سیاست‌گذاری سیاسی‌ـاقتصادی، ابزار مناسبی برای تحول‌آفرینی دولت و گذار به‌سوی دولت توسعه‌گرا به‌شمار می‌آیند که قطر، نمونهٔ مطلوب چنین روایتی است. محجوب زویری (۲۰۲۱) نیز در کتاب «قطر معاصر: بررسی جامعه و دولت» اذعان می‌دارد که الگوهای توسعه در دولت‌سازی برای افزایش ظرفیت بین‌المللی قطر، درصدد کسب اعتبار جهانی برای این کشور بوده است. *ریچارد نفیو* (۲۰۲۰) نیز در گزارش راهبردی خود با عنوان«اپیزود تحریم‌های قطر: بحران، پاسخ، و درس‌های آموخته‌شده» ــ که در مرکز جهانی سیاست‌گذاری انرژی دانشگاه کلمبیا به‌چاپ رسیده است ــ بیان می‌کند که پس از تحریم‌های منطقه‌ای سال ۲۰۱۷ به‌رهبری عربستان سعودی علیه قطر، این کشور با تغییر رویهٔ کنشگری در منطقه و جهان، مسیر

---

۱. Subtle Power

رشد اقتصادی خود را به‌سرعت می‌پیماید و به‌عنوان یک دولت‌ـکشور، دارای منطق کنشگری فعالانه‌ای برای کسب ثروت و قدرت جهانی است.

۲. چارچوب نظرِی پژوهش

چارچوب نظری پیش رو، به تبیین اقتصاد سیاسی تعاملی‌ـپراکنشی به‌عنوان یک الگوی نوپدید در برنامهٔ رفتاری دولت‌های کوچک عضو نظام بین‌الملل می‌پردازد و با بررسی وضعیت کنشگرایانهٔ اقتصادی، در پی فهم راهبرد سیاسی آنان است. با فروپاشی سازهٔ دوبلوکی قدرت در نتیجهٔ سقوط شوروی، روندهای نوین جهانی‌شدن تغییر کردند. یکی از مهم‌ترین واقعیت‌های نوپدید در سطح نظام بین‌الملل پس از فروپاشی شوروی این است که بیشتر کشورها در پی قدرت‌یابی و مطرح شدن در نظام جهانی هستند تا ازاین‌طریق بتوانند الگوهای رفتاری متنوعی را در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی به‌نمایش بگذارند (Clemons, 2019, 78-84)؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از این کشورها درصدد بازتعریف و بازنگری در نظم کنترلی نوین جهان هستند و به‌نوعی به سازهٔ شبکه‌ای خودسازنده در قالب پیوندسازی ائتلافی با بازیگران دیگر روی آورده‌اند (Schleifer, 2018, 259). چنین رهیافتی با تأکید بر نوعی سیاست خارجی انطباق‌گرا و اقتصاد سیاسی توسعه‌خواه، قابل‌دستیابی خواهد بود.

در پندارهٔ تحلیلی اقتصاد سیاسی پراکنشی‌ـتعاملی، دینامیک قدرت و ثروت با افزایش خوشه‌های ارتباطی به‌عنوان مؤلفه‌ای پیونددهنده، به برون‌رفت از وضعیت آنارشی و گذار به‌سوی یک نظام متعادل و پویا کمک می‌کند. پرسمان قدرت‌سازی اقتصاد سیاسی خوشه‌ای‌ـپراکنشی و در یک کلام، تعاملی، با عنوان قطبیت خوشه‌ای[1] مطرح می‌شود (Wilkinson, 2020, 23)؛ به‌این‌معنا که واحد سیاسی (دولت) در سه سطح ساختاری ۱) زیرساخت‌های اقتصاد توسعه‌ای مانند نهادسازی تحول‌خواه و دارای قدرت کنشگری بالای بین‌المللی و انطباق‌محور؛ ۲) پیوندسازی منطقه‌ای با بازیگران دیگر به‌عنوان متحدان راهبردی؛ و ۳) تحول در رویکردهای منطقه‌ای و گذار به برون‌منطقه‌گرایی در قالب پیوندسازی بین‌الملل‌گرایانه فعالیت می‌کند. در اقتصاد سیاسی پراکنشی ـتعاملی، کانونی بودن یا به‌عبارتی، گزینش سیاست‌ها و الگوهای رفتاری هم‌افزاکننده‌ای که بتواند تهدیدها را به فرصت تبدیل کند و راهبردهای آگاهانه به‌منظور کنشگری در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی در پرتو رویکرد انطباق‌محور، مؤثر هستند (Cammet & et al, 2018, 23-

---

۱. Cluster Polarity

(29. قدرت‌سازی در چنین ساختی از رهیافت اقتصاد سیاسی، از نوع وضعیتی[1] است؛ به‌این‌معنا که قدرت اقتصادی، دربردارندۀ تولیدکنندگی، انتقال‌دهندگی، و قابلیت‌پذیری در نظم بین‌الملل است؛ به‌گونه‌ای که دولت اعمال‌گر در چنین رهیافتی می‌تواند با استفاده از رویکردهای ائتلاف‌ساز در اقتصاد سیاسی بین‌الملل کنشگری کند. در خوانش اقتصاد سیاسی پراکنشی-تعاملی، دولت‌ها در پی ارتباط با دولت‌های دیگر و نهادهای توسعه‌گرا هستند (Shied, 2020, 70). این مدار ارتباطی آنان با پشتوانۀ قدرت بالقوۀ اقتصادی امکان‌پذیر است که اساساً الگوی انتقال قدرت برای متنوع‌سازی الگوهای رفتاری در راستای وزن‌سازی است. رهیافت انتقال‌دهندگی قدرت، به‌عنوان یک مجموعۀ چندسطحی بازشناسی می‌شود؛ به‌این‌معنا که دولت و نهادهای مربوطه با خوانش‌های توسعه‌ای-زیربنایی، نظم و ترازمندی قدرت را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تضمین می‌کنند و دراین‌راستا الگوی رفتاری دولت، موازنۀ نهادی(نرم) برای تثبیت قدرت و تغییر چهرۀ بین‌المللی-منطقه‌ای است؛ موازنۀ نهادی به‌بیان دیگر، همان توازن شاخه‌ای[2] است (Ghasemi, 2022, 343). در این موازنه، دولت‌ها با بهره‌گیری از قدرت و دانش، الگوهای نظم‌سازی نوینی را در قالب ثبات و پایداری ارائه می‌دهند و سبب افزایش سطح ارتباطات بین‌المللی می‌شوند (Barrett, 2019). به‌طورکلی، آموزۀ رخداد[3] زمینۀ گذار از اقتصاد سیاسی بین‌الملل به اقتصاد سیاسی جهانی را به‌وجود آورد. اقتصاد سیاسی بین‌الملل با ویژگی‌های توجه به سلسله‌مراتب و موازنۀ نیرو در اقتصاد، سیاست، و فرهنگ، تأکید بر نظم تک‌واحدی بین‌المللی مانند نظم آمریکایی[4] توجه به نظام کینزیسم-فوردیسم، دولت‌محور بودن و نظم جنگ سرد، جای خود را به اقتصاد سیاسی جهانی با ویژگی‌هایی چون تأکید بر دورۀ پساهژمونیسم، اقتصاد ارتباطی تعاملی-فراکنشی، و توجه به عصر اقتصاد پساصنعتی داد که وجه تمایز میان این گذار پارادایمی، افزایش پیچیدگی‌های اقتصادی و مطرح شدن نهادهایی با داعیۀ توسعه در کنار دولت‌ها در زنجیرۀ جهانی بوده است (Yordanov Georgiev et al, 2019, 298). در چنین نظم جدیدی، موقعیت استعلایی دولت‌ها برای تولید ثروت و تعین‌بخشی به روندها، تاحدودی کاهش یافت و شمار روزافزونی از نهادها برای کنشگری در راستای ثروت‌افزایی به‌وجود آمدند که سرآغاز منطقی این روند، به‌لحاظ ایجابی، دستیابی به توسعه با تأکید بر دولت‌های کوچکی مانند قطر بوده است. به‌بیان روشن‌تر، در

---

۱ Situational Power
۲ Bifurcated Balancing
۳ Doctrine of Event
۴ Pax-Americana

ساختار معرفتی اقتصاد سیاسی جهانی، در نتیجهٔ افزایش ارتباطات میان‌دولتی و نهادی (چندجانبه‌گرایی اقتصادمحور) دیگر دوگانهٔ دولت قوی و ضعیف مطرح نیست، بلکه نقش قدرت‌های زیرک (هوشمند)[1] در افزایش سطح تأثیرگذاری منطقه‌ای و بین‌المللی، دارای اهمیت راهبردی است.

۲-۱. قدرت‌سازی ژئواکونومیکی و تبیین مفهومی آن در بستر اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی

امروزه در عرصهٔ روابط بین‌الملل، قدرت‌یابی در حوزهٔ ژئواکونومی (اقتصاد) از جایگاه والایی برخوردار است و پیوند میان اقتصاد و قدرت و ارتباط آن با حوزهٔ سیاست می‌تواند بستر قدرت‌سازی ژئواکونومیکی را در راستای دستیابی به توسعه فراهم کند (Mokhtarihashi, 2018, 59). قدرت‌سازی ژئواکونومیکی به‌این‌معنا است که دولت‌ها برای متنوع‌سازی الگوهای رفتاری خود در منطقه و نظام بین‌الملل، الگوهایی از اقتصاد را پیگیری می‌کنند که ضمن تأمین منافع، بر مشروعیت جهانی آنان می‌افزاید (قدرت‌سازی) و این هدف با اشاعهٔ رویکردهای تعاملی و چندجانبه‌گرایانه محقق می‌شود (Black will & Harris, 2016, 20). قدرت‌سازی ژئواکونومیکی، فرایندی ارتباطی است که طی آن، دولت‌ها با همراهی نهادهای داخلی خود به کنشگری می‌پردازند و درصدد تأمین منافع ملی در یک فضای تعامل‌محور جهانی و منطقه‌ای برمی‌آیند؛ به‌عنوان نمونه، ادارهٔ برند قطر، سعی در بازنمود چنین رفتاری دارد. با توجه به اینکه عامل جغرافیا، عنصری محدودیت‌ساز برای این کشور به‌شمار می‌آید، یک نهاد خصوصی مانند ادارهٔ برند قطر، برای بازتولید قدرت در حوزهٔ اقتصاد تلاش می‌کند. همان‌گونه که اشاره شد، الگوی اقتصاد سیاسی تعاملی -پراکنشی از دو وجه مهم برخوردار است که عبارتند از: ۱) سیاست‌های سرمایه‌گذارانه؛ ۲) کمک‌های اقتصادی. چنین شیوهٔ رفتاری، امروزه در منطق کنشگرایانهٔ قطر مشاهده می‌شود؛ به‌عنوان مثال، سرمایه‌گذاری قطر در اروپا و شرکت‌های دولتی و غیردولتی، مانند خرید بخشی از سهام شرکت‌های بین‌المللی فولکس‌واگن و بارکیلز، سرمایه‌گذاری در بخش‌های ورزشی مانند خرید سهام باشگاه فوتبال پاریس‌سن‌ژرمن فرانسه و گسترش روابط سرمایه‌گذارانه با کشورهای ژاپن، کره جنوبی، چین، و سنگاپور ازجمله اقدامات قطر برای تقویت اقتصاد ژئوپلیتیکی و ایجاد شراکت راهبردی جهانی است که درعمل می‌توان گفت، نتیجهٔ بخشی از این سرمایه‌گذاری، تزریق پول به شرکت‌های ورشکستهٔ غربی بوده است (Martin & etal., 2021, 13-20). اما دولت قطر برای خنثی‌سازی آسیب‌های برآمده از این رویکرد در قالب سرمایه‌گذاری گسترده، از سال ۲۰۱۰، نگرشی صرفه‌جویانه مبتنی‌بر الگوی اقتصادی دانش‌بنیان را مطرح کرد که مبتنی‌بر ارتباط

---

1. Shrewd States

کارگزار و عقلانیت بوده است تا بتواند ضمن ورود دانش برای تولید فناوری، قدرت اقتصادی خود را افزایش دهد. همچنین، کمک‌های مالی و اقتصادی قطر به کارخانهٔ کشتی‌سازی لهستان در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ و تأکید این کشور بر تسریع کمک‌های اقتصادی به لبنان پس‌از تشکیل دولت در این کشور در سال ۲۰۲۱ و همچنین، کمک نیم‌میلیارد دلاری به نوار غزه، ازجمله اقدامات قطر در حوزهٔ کمک‌های اقتصادی است که ضمن افزایش قدرت نرم این کشور بر قدرت ژئواکونومیکی آن نیز می‌افزاید.

۲-۲. چندجانبه‌گرایی در الگوی اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی

چندجانبه‌گرایی یکی از مفاهیم رایج در ادبیات روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی است که می‌تواند در بستر تعاملات اقتصادی درنظر گرفته شود. چندجانبه‌گرایی به‌صورت تعاملی-پراکنشی، مسیری برای توسعهٔ اقتصادی کشورها است که برپایهٔ آن هر دولتی با تأکید بر انتخاب‌های عقلایی و اقتصادی، با نظام بین‌المللی به مشارکت می‌پردازد (Oatley, 2020, 80-82). براساس این الگوی اقتصادمحور، ارتباط با نظام بین‌الملل و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود جهانی، در قالب پیوندهای چندجانبه‌گرایانهٔ جهانی، به کسب ثروت، سرمایه، و فناوری در بازارهای بین‌المللی منجر می‌شود (Dehghani Firoozabadi, 2014, 112). درواقع، قطر با اتخاذ رویکرد چندجانبه‌گرایانه در قالب الگوی اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی، اهدافی مانند: ۱) حفظ یک محیط سیاسی و امنیتی پایدار برای دستیابی به رشد اقتصادی؛ ۲) توسعهٔ روابط خارجی با قدرت‌های اقتصادی جهانی؛ ۳) گسترده‌سازی حوزهٔ ارتباطی خود برای توسعهٔ روابط اقتصادی؛ و ۴) مطرح شدن به‌عنوان یک قدرت نوظهور منطقه‌ای و بین‌المللی اثرگذار و دارای وزن را دنبال می‌کند.

۲-۲-۱. انطباق‌پذیری با محیط بین‌الملل؛ بستری برای اعمال اقتصاد سیاسی تعاملی

انطباق‌پذیری با محیط بین‌الملل، همواره یکی از موضوع‌های موردمناقشهٔ نظریه‌پردازان عرصهٔ سیاست خارجی بوده است؛ اما نظریه‌های روابط بین‌الملل و توسعه، همسویی دیپلماسی اقتصادی تعاملی را تسریع‌کنندهٔ روند انطباق با محیط بین‌الملل به‌شمار می‌آورند (Yu, 2017, 56-64). در اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی، انطباق‌گرایی با محیط جهانی، به‌این‌معناست که دولت با رقابتی کردن صنایع داخلی و افزایش قدرت سرمایه‌گذاری خارجی خود، ضمن بازاریابی منطقه‌ای، بر حضور مؤثر جهانی خود می‌افزاید (Lanhoso & Cohelho, 2020, 3). ژنگ[1] دراین‌باره می‌گوید: «زمانی که دولت‌ها با خوانش اقتصاد سیاسی تعاملی، حوزه‌های گوناگونی را برای ائتلاف‌سازی ایجاد می‌کنند، متناسب با آن، بر قدرت

---

1. Zheng

رقابتی خود در نظام بین‌الملل نیز می‌افزایند» (Zheng, 2021, 140-147). این سخن در مورد قطر این‌گونه تفسیر می‌شود که تولیدات این کشور می‌تواند بر مزیت رقابتی آن در نظام بین‌الملل و منطقهٔ خاورمیانه بیفزاید؛ به‌عنوان مثال، می‌توان به تولید شیر شتر به شیوه‌های صنعتی با همکاری شرکت کامیلشس[1] اشاره کرد که این محصول را با بالاترین کیفیت ممکن در سطح منطقه‌ای به کشورهایی مانند کویت و عمان صادر می‌کند. همچنین، شرکت‌های «حصاد» و «محاصیل» در قطر، نهادهای کشاورزی مدرنی هستند که به تولید دانه‌های خوراکی، علوفهٔ حیوانی، سبزیجات، ماهی، محصولات پروتئینی در منطقه و صدور آن به کشورهایی چون بلژیک، هلند، سنگاپور، کره‌جنوبی، تایوان، عمان، و کویت می‌پردازند.

این دو شرکت قطری با ساخت مجتمع‌های کشاورزی فوق‌مدرن در کشور استرالیا، محصولات پروتئینی تولیدی خود را به جهان صادر می‌کنند و درعمل، بخشی از تولید گوشت کشور استرالیا نیز از همین طریق و به‌واسطهٔ تولیدات قطری تأمین می‌شود (Karanisa et.al., 2021, 4-8). همچنین، تغییر شیوهٔ کشاورزی در قطر به روش هیدروپونیک، یعنی روش‌های آب‌کشت به‌وسیلهٔ فناوری‌های مدرن که در کنفرانس و نمایشگاه بین‌المللی کشاورزی قطر در سال ۲۰۱۸ پایه‌ریزی شد (Karanisa, 2020, 3-4) و ساخت مزارع آب‌کشت ارگانیک مانند «الخور» توسط شرکت اگریکو اکوسیستم، شیوهٔ جدیدی برای افزایش مزیت رقابتی قطر در منطقه و جهان به‌وجود آورده است.

۳. قطر و دیپلماسی اقتصادی؛ جنبهٔ انبساطی قدرت در اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی

دولت‌ها در نظام بین‌الملل با توجه به ژئوپلیتیک زیستی خود، درصدد تعریف حوزه‌های کنشگری برای بقا، رشد، و توسعهٔ قدرتشان هستند. بسیاری از دولت‌ها با توجه به دارایی‌های اقتصادی خود مانند منابع طبیعی (نفت و گاز) از این نقطهٔ عطف در راستای توسعه، بهره‌برداری می‌کنند. به‌گفتهٔ *فلوریدا*،[2] توسعهٔ اقتصادی معطوف به خلاقیت و نوآوری رهیافتی با تأکید بر عواملی مانند فناوری، استعداد، و تحمل است. وجود فناوری‌های پیشرفته در یک کشور همواره می‌تواند بر شکوفایی استعداد و خلاقیت اجتماعی آن دولت و جامعه تأثیرگذار باشد و موجب تنوع‌بخشی در حوزهٔ اقتصاد شود و چنین نگرشی، به‌معنای نگاه بلندمدت به طرح‌های توسعه‌ای است (Florida, 2019, 135). چشم‌انداز ۲۰۳۰ قطر ثابت کرده است که برای دستیابی به توسعهٔ اقتصادی تعامل‌محور، وجود یک دولت قوی، ضروری است؛ دولتی که بتواند

---

1. Camelicious
2. Florida

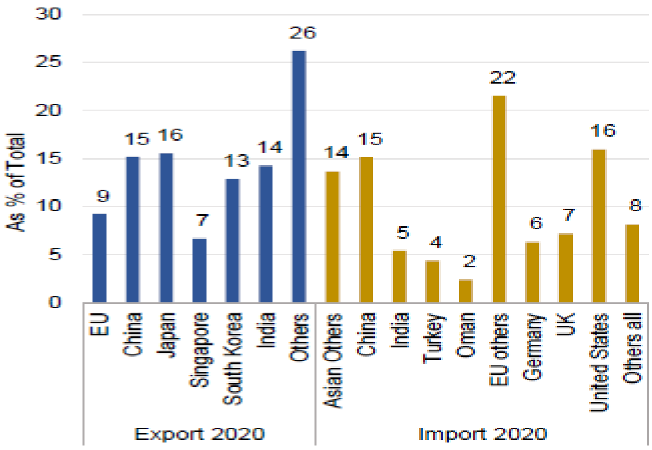
همسو با بخش‌های دیگر جامعه، به‌ویژه صنعت و آموزش، حرکت کند و در عرصهٔ منطقه‌ای و بین‌المللی نیز کنشگری هوشمندانه‌ای داشته باشد.

قطر به‌منظور تحقق این هدف با ساخت شهرهای آموزشی و پارک‌های علم و فناوری، نهادسازی‌هایی با رویکرد بین‌المللی گرایانه را درپیش گرفته است تا سیستم‌سازی لازم را برای توسعهٔ اقتصادی دانش‌بنیان، به‌سرانجام برساند. اقتصاد مدرن جهانی، مبتنی‌بر تولید ثروت و دانش و فناوری است که در آن ساختارهای چندگانه‌ای در پیوند متقابل هستند. قطر از ثروت به‌دست‌آمده در فرایند اقتصاد سیاسی نفت و گاز، در راستای گسترش وجه انبساطی قدرت استفاده کرده است؛ به‌عنوان مثال، کنشگری این کشور در نظم منطقه‌ای و تلاش برای اتحادسازی با کشورهایی مانند ترکیه و افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در اروپا و شرق آسیا، نمونه‌هایی از وجه انبساطی اقتصاد این کشور به‌شمار می‌آیند (Gremm, 2018, 81). ازجمله اقدامات قطر که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان اقداماتی برای توسعهٔ سطح وجه انبساطی اقتصاد یاد کرد، توسعه و ارتقای سطح روابط دوجانبه این کشور با کشورهای عضو اتحادیهٔ اروپا بوده است. تأسیس انجمن دوستی قطر و اتحادیهٔ اروپا در سال۲۰۱۲ به این نکتهٔ مهم اشاره دارد که اتحادیهٔ اروپا، شریک تجاری بالقوهٔ قطر است. رشد تجارت اقتصادی این کشور از ۳۸ میلیارد دلار در طول سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۵، به ۱۴۵ میلیارد دلار در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ و تبدیل شدن اتحادیهٔ اروپا به دومین شریک تجاری بزرگ کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس با تأکید بر قطر، نشان‌دهندهٔ بین‌المللی‌شدن اقتصاد این کشور و توسعهٔ وجه انبساطی اقتصادی این کشور در مسیر توسعه‌یافتگی است. به‌طورکلی، از میان شرکای تجاری قطر می‌توان به آمریکا با ۱۶ درصد از کل واردات قطر اشاره کرد که به بزرگ‌ترین شریک تجاری این کشور تبدیل شده است. پس از آمریکا، چین با ۱۲ درصد واردات قرار دارد و کشورهای آلمان، انگلیس، هند، ترکیه، و عمان در رده‌های بعدی جای می‌گیرند. بقیهٔ کشورهای جهان نیز ۴۲ درصد از حجم تجارت این کشور را به خود اختصاص داده‌اند که در میان آن‌ها، کشورهای اروپایی ۱۷ درصد، کشورهای آمریکای لاتین ۱۳ درصد، و سایر کشورهای آسیایی ۱۲ درصد از حجم تجارت قطر را در قالب صادرات و واردات به خود اختصاص داده‌اند که در شکل شمارهٔ (۱) نمایش داده شده است.

درواقع، تقویت وجه انبساطی قدرت، نیازمند این است که کشورها ضمن تقویت چارچوب‌های نهادی و توجه به قوانین بین‌المللی، نوعی سیاست خارجی تنش‌زدا و فعال را درپیش گیرند. برهمین‌اساس، قطر در برخی از زمینه‌ها، پیشرفت‌هایی داشته است؛ به‌گونه‌ای که صندوق بین‌المللی پول، این کشور را به‌لحاظ شاخص‌های شفافیت، به‌عنوان یک دولت خوب معرفی کرده و در گزارش چهارم خود دربارهٔ مدیریت

نظام اقتصادی قطر بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶، این کشور را به‌عنوان یک نمونهٔ موفق ارزیابی کرده است. همچنین، در گزارش سال ۲۰۲۰ کمیسیون اتحادیهٔ اروپا، قطر ازجمله شرکای راهبردی این اتحادیه در زمینهٔ روابط سیاسی به‌شمار می‌آید.

شکل شمارهٔ (۱). صادرات و واردات قطر در سال ۲۰۲۰



Source: Qatar Economic Outlook

مهم‌ترین اهداف ترسیم‌شده میان قطر و اتحادیهٔ اروپا عبارتند از: ۱) گسترش همکاری‌ها به‌منظور تقویت ثبات در منطقه؛ ۲) تسهیل روابط سیاسی و اقتصادی؛ ۳) گسترش همکاری‌های اقتصادی و فنی؛ ۴) افزایش و ارتقای روابط در حوزه‌های انرژی، صنعت، تجارت، خدمات، و سرمایه‌گذاری (European Commission, 2020). وجه دیگر این راهبرد اعمالی قطر، رسیدن به توسعهٔ پایدار با تأکید بر وارد کردن فناوری‌های نوین به داخل است که این مسئله سبب بالا رفتن سطح توسعهٔ انسانی و توسعهٔ اجتماعی شده است؛ به‌عنوان نمونه، بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸، با گسترش روابط قطر و نروژ (Adami & Ansari, 2020, 36) در زمینهٔ رشد دانش خلاق، فناورانه، دستیابی به سامانه‌های کشاورزی نوین و متحول‌سازی اقتصاد انرژی، ظرفیت قدرت بین‌المللی این کشور افزایش یافته است. به‌طورکلی، اگرچه بحران دیپلماتیک سال ۲۰۱۷ بر شرایط قطر تأثیرگذار بود، اما این کشور از سال ۲۰۱۹ و با توجه به گزارش صندوق بین‌المللی پول، روند روبه‌رشد اقتصادی خود را پیموده است که می‌تواند در سال‌های بعد نیز ادامه‌دار باشد و درعمل، GDP این کشور با وجود پیمودن یک روند ثابت در طول سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹، پایداری خود را در طول سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۲۰ حفظ کرده است که نتیجهٔ آن برای سال‌های آینده، رشد پایدار خواهد بود.

جدول شمارهٔ (۱). رشد اقتصادی قطر براساس سال (درصد)

شاخص‌ها	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳	۲۰۲٤
تولید ناخالص داخلی	۱/۴	۲/۹	۲/۸	۳/۸	۳/۳	۳/۹
مصرف دولتی	۳/۵	۴/۵	۳/۵	۴/۵	۳/۵	۲/۹
صادرات کالا و خدمات	۱/۱	۲/۵	۳/۵	۵/۰	۴/۵	۴/۲
واردات کالا و خدمات	۶/۰	۵/۰	۷/۵	۹/۰	۶/۵	۶/۰
تقاضای داخلی	۲/۷	۴/۲	۴/۶	۴/۹	۳/۷	۳/۸
کشاورزی	−۱/۵	۳/۵	۵/۵	۸/۰	۷/۱	۶/۴
صنعت	۱/۲	۰/۹	۳/۵	۲/۸	۵/۵	۱۷/۲
خدمات	۱/۳	۲/۲	۲/۵	۴/۰	۲/۵	۳/۱

Source: Nephew, 2020, 18

۳-۱. دیپلماسی اقتصادی تعاملی قطر و الگوهای انطباقی در شرق و غرب

براساس شاخص‌های سرانهٔ ضریب جینی، تولید ناخالص داخلی در سال پایهٔ ۲۰۱۷، مؤلفه‌های توسعهٔ انسانی، و نرخ امید به زندگی، قطر بین سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۸ به‌عنوان یکی از ثروتمندترین و مهم‌ترین کشورهای شناخته‌شده در میان کشورهای جهان انتخاب شده است (UsToday, 2019). این کشور به‌دلیل دغدغه‌های امنیتی‌ـاقتصادی و سیاسی، درصدد بوده است تا میان اقتصاد ملی و حوزهٔ اقتصاد بین‌الملل، ارتباطی اندام‌وار برقرار کند. برپایهٔ گزارش داده‌های آماری صندوق بین‌المللی پول در اکتبر ۲۰۲۰، قطر با تولید ناخالص داخلی به ارزش تقریبی ۱۴۸ میلیارد دلار، در رتبهٔ ۵۶ جهان قرار گرفته است. پیوندهای اقتصادی‌ـتجاری قطر در چارچوب اقتصاد سیاسی تعاملی‌ـپراکنشی با کشورهایی چون ژاپن، کره‌جنوبی، چین، هند، سنگاپور، تایلند، پاکستان، ایتالیا، بلژیک، انگلستان، ایالات‌متحده آمریکا و... نشان‌دهندهٔ ارتباط اقتصاد ملی این کشور با اقتصاد سیاسی جهانی است. گفتنی است، عمده‌ترین مصرف‌کنندهٔ گاز طبیعی مایع[1] (LNG) این کشور، دولت‌های شرق آسیا، یعنی کره جنوبی، سنگاپور، تایلند، ژاپن، و چین هستند. همان‌گونه که در قسمت چارچوب نظری اشاره شد، دولت‌ها برای تنوع‌بخشی به الگوهای رفتاری در بستر اقتصاد، در پی دنبال کردن رهیافت‌های چندجانبه‌گرایانه هستند؛ به‌عنوان مثال، شرکای تجاری قطر در بخش واردات در سال ۲۰۱۹ شامل کشورهای چین، آلمان، انگلستان، هند، آمریکا، عمان، کره جنوبی، و

1. Liquefied Natural Gas

ژاپن بوده‌اند (Trend Economy, 2019).

به‌طورکلی، الگوی اقتصادی قطر در منطقهٔ خاورمیانه در حوزهٔ دیپلماسی انرژی، مبتنی‌بر منطق نظریهٔ مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای و خارج از منطقه بوده است. در این الگو، قطر به‌عنوان فروشندهٔ انرژی به کشورهایی چون ترکیه در خاورمیانه و انگلستان در اروپا، با آن‌ها پیوندی راهبردی دارد تا در منطقه و جهان به‌عنوان یک دولت تعامل‌گرا با رویکرد امنیت‌ساز عمل کند و حوزهٔ نفوذ راهبردی خود را گسترش دهد (کریمی‌پور و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۸۵–۱۸۴). همچنین، براساس آمار سازمان برنامه‌ریزی قطر در اوت ۲۰۲۱، درآمد کل صادرات قطر به کشورهایی چون بلژیک، آلمان، فرانسه، آمریکا، چین، و سنگاپور، حدود ۲۷۳میلیارد دلار بوده است که نسبت به آمار اوت ۲۰۲۰، ۹۴/۳ درصد افزایش داشته است. برپایهٔ این آمار، پنج شریک اصلی اقتصادی این کشور، جزء دولت‌های گروه G7 هستند که نشان‌دهندهٔ سطح روابط شبکه‌ای قطر و رویکرد بین‌الملل‌گرایانه و فرامنطقه‌ای اقتصاد سیاسی این کشور در نظام بین‌الملل است.

رویکرد اقتصاد سیاسی قطر در طول یک دههٔ گذشته، همواره مبتنی‌بر سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ بوده است. به‌طورکلی، این سند با هدف کاهش وابستگی به اقتصاد سیاسی هیدروکربنی، تنوع‌سازی در اقتصاد را به‌عنوان اقدامی اعلامی و اعمالی[1] درپیش گرفته است. درهمین‌راستا، ابتکار طرح شهرسازی هوشمند[2] به‌عنوان یکی از مسیرهای تنوع‌بخشی به اقتصاد قطر مطرح بوده است. ابتکار شهرسازی هوشمند به‌عنوان طرح توسعهٔ داخلی قطر، به‌این‌معناست که با ایجاد بسترهای فناورانه در جامعه و بهینه‌سازی کارایی خدمات شهری به‌عنوان بال اجرایی اقتصاد سیاسی دانش‌بنیان، مزایای اقتصادی آن در پذیرش سرمایه‌گذار خارجی و پیوندسازی بین‌المللی می‌تواند برای قطر تا سال‌های ۲۰۲۷–۲۰۲۶ دست‌کم ۲۰ تریلیون دلار صرفهٔ اقتصادی داشته باشد که با همراهی شرکت‌هایی مانند اشنایدر الکترونیک فرانسه[3]، سیسکو سیستمز آمریکا[4]، زیمنس آلمان[5] و شرکت هیتاچی[6] ژاپن به‌دست خواهد آمد. به‌باور حاکمان قطر، طرح

---

[1] Speech Act & Performative
[2] Smart Cities Initiative
[3] Schneider Electric
[4] Cisco Systems
[5] Siemens
[6] Hitachi

پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۱۲، شمارهٔ ۱، شماره پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

شهرسازی هوشمند یک فرصت ارزشمند برای توسعهٔ پایدار منطقه‌ای و بین‌المللی است که می‌تواند در افزایش نفوذ بین‌المللی این کشور به‌عنوان یک قدرت هوشمند، مؤثر باشد. با درک این قابلیت بزرگ، ابتکار شهرسازی هوشمند به‌عنوان یکی از ارکان چشم‌انداز توسعهٔ ۲۰۳۰ قطر، معروف به «قطر هوشمند»[۱] درنظر گرفته شده است (Zweiri, 2021, 190). در همین چارچوب، برگزاری همایش و نمایشگاه دستاوردهای فناوری اطلاعات قطر[۲] که در سال ۲۰۱۷ به‌عنوان بزرگ‌ترین رویداد فناوری اطلاعات برگزار شد، نشان‌دهندهٔ تلاش این کشور برای تنوع‌آفرینی در حوزهٔ اقتصاد از مسیر اقتصاد سیاسی دانش‌بنیان است. طرح اجرایی «تسمو» که ازجمله برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی پایدار در مسیر متنوع‌سازی اقتصاد قطر در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است، یکی دیگر از برنامه‌های این کشور برای ایجاد پیوند میان اقتصاد ملی قطر و اقتصاد بین‌الملل به‌شمار می‌آید. ابتکار چنین طرحی از سوی دولت قطر، به‌این‌معناست که با هوشمندسازی شهری و ایجاد تنوع در اقتصاد می‌توان تا ۵ درصد به رشد اقتصادی این کشور افزود و تولید ناخالص داخلی را تا سال ۲۰۲۲ به ۲۷۵ میلیارد دلار رساند (Zibaei, 2020, 326). این درآمدها سبب می‌شود که قطر بتواند از فرصت سرمایه‌گذاری خارجی در داخل برای شبکه‌سازی اقتصادی در خارج استفاده کند؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به تلاش اتاق بازرگانی و صنعت قطر برای افزایش سطح سرمایه‌گذاری‌های خارجی دولت‌ها و شرکت‌های بین‌المللی در این کشور در راستای توسعهٔ شهرک‌هایی مانند لوسیل اشاره کرد که جنبهٔ تجاری‌ـاقتصادی داشته و محرک توسعهٔ اقتصادی قطر به‌شمار می‌آیند.

یکی دیگر از طرح‌های متنوع‌سازی اقتصادی قطر که از آن به‌عنوان طرح پیوند قطر با جهان یاد می‌شود، طرح جدید این کشور مبنی‌بر کاهش انتشار گاز است. اساساً طرح کربن‌زدایی و کاهش انتشار گاز و جداسازی سالانه بیش از ۷میلیون تن دی‌اکسیدکربن از سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۷ به‌طور پیوسته، می‌تواند اقتصاد قطر را به‌سوی سرمایه‌گذاری سبز بین‌المللی سوق دهد. این طرح پویا و حیاتی، قطر را به نخستین کشور جهان تبدیل می‌کند که از سامانهٔ پایدار و بدون آلاینده، به‌ویژه در بخش حمل‌ونقل، استفاده می‌کند. درواقع، در سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ قطر، راهبرد توسعهٔ اقتصادی و اقتصاد سیاسی تعاملی‌ـپراکنشی، دربردارندهٔ اصول کارآمدسازی اقتصاد ملی و پیوند آن با اقتصاد بین‌الملل، اتخاذ رویکردهای مسئولانه برای مدیریت منابع طبیعی، و ایجاد یک اقتصاد دانش‌بنیان است که طرح‌هایی مانند تسمو، شهرسازی

---

۱. Smart Qatar
۲. QITCOM

هوشمند، و طرح کاهش انتشار گاز برای توسعهٔ سامانهٔ حمل‌ونقل و همچنین، توسعهٔ شهرک‌های تجاری مانند لوسیل، از نمونه‌های آن به‌شمار می‌آیند. دولت قطر در راستای تحقق چنین اهدافی در حوزهٔ توسعه و تنوع اقتصادی، به نهادسازی روی آورده است.

سازمان سرمایه‌گذاری قطر نیز به‌عنوان متولی تنوع‌بخشی به رهیافت‌های اقتصاد سیاسی و دیپلماسی اقتصادی این کشور و با حوزهٔ فعالیت جهانی و مدیریت سرمایه‌گذاری خارجی تشکیل شده است. این سازهٔ داخلی در بازارهای بین‌المللی، ازجمله در ایالات‌متحده آمریکا، اروپا، و آسیا–اقیانوسیه، سرمایه‌گذاری‌هایی انجام داده است که در قالب ایدهٔ هم‌پیوندی فرامنطقه‌ای و چندجانبه‌گرایی اقتصادی قابل‌تبیین است. این سازمان با بسیاری از شرکت‌های چندملیتی در بخش‌های صنعتی گوناگون، در ارتباطی همبسته است و به‌نوعی بخشی از سهام این شرکت‌ها را خریداری کرده است؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به خرید سهام گروه فولکس‌واگن (۱۵/۶ درصد)، رویال داچ‌شل (۳ درصد)، بارکیلز (۸/۶ درصد)، کردیت سوئیس (۵/۲ درصد)، بورس لندن (۱۵/۴ درصد)، میراماکس فیلمز (۱۰۰ درصد)، و آلفابانک اشاره کرد که به‌نوعی نشان‌دهندهٔ قدرت اقتصادی سیاست‌های چندجانبه‌گرایانهٔ این کشور در سطح بین‌الملل است. همچنین، این سازمان که نوعی نهاد توسعه‌خواه اقتصادی به‌شمار می‌آید، به‌پشتوانهٔ درآمدهای هنگفت ناشی از فروش گاز مایع، اقدام به خرید سهام در منطقه و فرامنطقه کرده است. خرید ۴۰ درصد از سهام شرکت«بنویت» ترکیه که ازجمله شرکت‌های مواد غذایی مطرح در خاورمیانه است به ارزش ۱۹۳ میلیارد دلار، برقراری روابط اقتصادی در حوزهٔ انرژی با شرکت «روُسنِفت» روسیه و خرید ۹/۸ درصد از سهام این شرکت به‌ارزش ۶/۹ میلیارد دلار در طول سال‌های ۲۰۱۹–۲۰۱۶ نمونه‌هایی از این اقدام به‌شمار می‌آیند.

در برنامهٔ سرمایه‌گذاری قطر، دولت‌های کلیدی نظام جهانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند؛ زیرا، به‌نظر نظام حکومتی این کشور، ائتلاف‌سازی با قدرت‌های مطرح بین‌المللی، بر میزان نفوذ، اثرگذاری، و وزن‌بخشی جهانی به این کشور، کمک شایانی می‌کند؛ برای مثال، طرح سرمایه‌گذاری قطر در انگلستان که نزدیک به ۳۵ میلیارد پوند ارزش اقتصادی دارد، این کشور را به مالک ۱۲ درصد از سهام کل بازار بورس لندن تبدیل کرده است. همچنین، انجام خدمات تجاری–مالی در حوزهٔ بانکداری بین‌المللی با نهادهایی مانند کردیت سوئیس و دارا بودن بیش از ۱۰ درصد از سهام برج تجاری «اسپایر استیت» در نیویورک، به‌معنای اعمال یک دیپلماسی فعال بین‌المللی در پرتو شبکه‌سازی چندجانبه‌محور اقتصادی به‌منظور قدرت‌سازی است (Mason, 2020, 164). آمار و ارقام یادشده، نشان‌دهندهٔ اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی قطر با نظام بین‌المللی است که سبب می‌شود این کشور بتواند در قالب ایدهٔ هم‌پیوندی

اقتصادی جهانی در نظام بین‌الملل، به‌عنوان یک قدرت اثرگذار در منطقه مطرح شود.

بانک مرکزی قطر با همراهی سازمان سرمایه‌گذاری این کشور[1] طی سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۸، در یک ارتباط درون‌نهادی داخلی، حدود ۳۵۰ میلیارد دلار به دولت کمک مالی کردند تا دولت بتواند در طرح‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی، باقدرت، کنشگری کند. درهمین‌راستا، گفت‌وگوهای راهبردی میان قطر و ایالات‌متحده آمریکا در ژانویهٔ ۲۰۱۸ باعث شد که QIA با ۴۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مالی ـتجاری در شرکت‌های چندملیتی مستقر در نیویورک و واشنگتن مانند آلفابت، مایکروسافت، ام‌بی‌ام‌گلوبال سرویسز[2] و استون‌سافت، همکاری دوجانبه و تعاملی داشته باشد. همچنین، قطر با خرید ۱۰ درصد از سهام شرکت «اکسیس اینداستریز»[3] ایالات متحده آمریکا به‌ارزش ۲۱۳ میلیارد دلار، با بخش صنعت و خدمات آمریکا پیوندی نزدیک برقرار کرده است. در سال ۲۰۰۴، موافقت‌نامه‌ای در راستای تجارت و سرمایه‌گذاری[4] میان قطر و آمریکا امضا شد که در چارچوب این موافقت‌نامه، قطر در طرح‌های سرمایه‌گذاری شهری در نیویورک و واشنگتن، مشارکت فعالی دارد و همچنین، براساس این قرارداد می‌تواند تعدادی از شعب دانشگاه‌های مطرح آمریکا مانند کرنل، کارنگی ملون، و جرج تاون را در داخل قطر تأسیس کند. برپایهٔ آمار تجارت خارجی، در سال ۲۰۲۰ صادرات آمریکا به قطر، حدود ۳۰۴ میلیارد دلار و واردات این کشور از قطر حدود ۱/۲ میلیارد دلار بوده است. اقلام صادراتی آمریکا به قطر بیشتر شامل هواپیما، ماشین‌آلات، و فناوری‌های اطلاعاتی و واردات آمریکا از قطر نیز شامل فراورده‌های نفتی است که این ارتباطات دوجانبه، بیانگر پیوستگی دو کشور است. در سال ۲۰۱۹ شرکت صنایع شیمیایی آمریکا، موسوم به «شورون فیلیپس» و «قطر پترولیوم» با انعقاد یک قرارداد دوجانبه در حوزهٔ اقتصاد انرژی و توسعهٔ ساخت یک مجمع پتروشیمی در قطر موافقت کردند که این شرکت پتروشیمی می‌تواند هموارکنندهٔ مسیر اقتصاد انرژی قطر با بازارهای جهانی و پیوند با کشورهای دیگر جهان باشد.

٤. قطر و حضور اقتصادی آن در منطقهٔ غرب آفریقا؛ الگوسازی برای تنوع اقتصادی

شیخ تمیم بن‌حمد آل‌ثانی، طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۶ سفرهای دیپلماتیکی به کشورهای منطقهٔ غرب

---

1. Qatar Investment Authority (QIA)
2. IBA Global Services
3. Axis Industries
4. Trade and investment framework Agreement (TIFA)

آفریقا داشت. چنین حرکتی از سوی دولت قطر، به‌معنای شبکه‌سازی برای قدرت‌افزایی اقتصادی و توسعهٔ نفوذ ژئوپلیتیکی است که به‌نوعی بیانگر اقتصاد سیاسی تعاملی-چرخشی قطر در مناطق جغرافیایی گوناگون است. دولت قطر دراین‌راستا تأکید داشته است که حضور قوی و پایدار در این نقطهٔ ژئوپلیتیکی، هم به‌لحاظ سیاسی و هم به‌سبب حضور در مجموعهٔ اقتصادی کشورهای غرب آفریقا (اکواس) می‌تواند در متنوع‌سازی و گسترده شدن شبکهٔ اقتصادی قطر و قدرت‌یابی این کشور مؤثر باشد. در سال ۲۰۱۷ قطر اعلام کرده است که درصدد پروژه‌سازی اقتصادی و افزایش سطح همکاری‌های تجاری-اقتصادی در آفریقا با تأکید بر کشورهایی مانند سنگال، مالی، بورکینافاسو، غنا، و ساحل عاج است (Auge, 2017, 12-26) و دراین‌راستا قراردادهایی را با این کشورها منعقد کرده است که بسیاری از آن‌ها مربوط به حوزه‌های توسعهٔ اقتصادی پایدار، بهداشت، اشتغال، انرژی، و ورزش بوده‌اند؛ به‌عنوان مثال، قرارداد دوجانبه میان قطر و مالی در زمینهٔ تعلیم‌وتربیت در حوزهٔ آموزش و اقتصاد به ارزش ۴۰میلیون دلار، نشان‌دهندهٔ تلاش قطر برای شبکه‌سازی خوشه‌ای در قالب اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی است که درعمل، سبب بهبود وجههٔ فرهنگی قطر در سطح نظام بین‌الملل نیز می‌شود.

٤-١. قطر و توسعهٔ اقتصادی در غرب اروپا؛ پیگیری الگوی والونی‌سازی اقتصاد سیاسی

توسعهٔ روابط اقتصادی در قالب شبکه‌سازی خوشه‌ای به‌منظور تأمین منافع، کسب مشروعیت، و افزایش وجههٔ بین‌المللی، ازجمله اهداف و برنامه‌های کلان قطر در حوزهٔ اقتصاد با تأکید بر کشورهای غرب اروپا یعنی هلند، بلژیک، و آلمان است. قطر و هلند، دارای ویژگی‌های مشترکی هستند؛ به‌عنوان نمونه، هردوی آن‌ها به‌لحاظ جغرافیایی، نسبتاً کوچک، و هردو دارای آرمان اقتصادی جهانی با رویکرد بین‌الملل‌گرایی تعامل‌محور هستند. هدف دولت قطر در حوزهٔ اقتصاد سیاسی تعاملی، تأمین منافع در فراسوی مرزهای جغرافیایی به‌وسیلهٔ ارتقای سطح دیپلماسی اقتصادی و انطباق‌گرایی در سیاست خارجی است. روابط تجاری و سرمایه‌گذارانه میان قطر-هلند بین سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸، سالانه حدود ۱ میلیارد دلار بوده است. هلند ازجمله کشورهای اروپایی است که در نتیجهٔ بسترسازی دولت قطر برای جذب سرمایهٔ خارجی در حوزه‌هایی چون انرژی، معماری، کشاورزی، مراقبت‌های بهداشتی، مشاوره‌های آموزشی، و مهندسی قطر فعالیت می‌کند. هلند و قطر در طرح شراکت تجارت بین‌الملل که در سال ۲۰۱۹ میان دو کشور امضا شد، درصدد همراهی و تعامل دوجانبه و هم‌پیوندی اقتصادی بوده‌اند. همچنین، همکاری بندر «روتردام» هلند با بندر «راس‌الفان» قطر در زمینهٔ فعالیت‌های دریایی و توسعهٔ مشاغل مربوط به آن و توجه به صنعت LNG، از دیگر مسیرهای همکاری هلند-قطر در قالب اقتصاد سیاسی تعاملی است که درهمین‌راستا، بخشی از

فناوری شرکت ویتول و آرگوس[1] انرژی هلند به قطر منتقل شده است و هزینهٔ این انتقال را بانـک کردیـت یوروپ[2] و گروه آی‌ان‌جی[3] تأمین کرده‌اند.

یکی دیگر از کشورهای غرب اروپا که با قطر در تعامل است، بلژیـک اسـت. قطـر و بلژیـک بـه‌عنوان دو متحد راهبردی، روابط برجسته و چشمگیری با یکدیگر دارنـد. ایـن دو کشـور از سـال ۲۰۰۴ به‌این‌سـو در حوزهٔ اقتصاد و سیاست به توسعهٔ سـطوح روابـط خـود پرداخته‌انـد کـه نشـان‌دهندهٔ نزدیکـی دو کشـور بـه یکدیگر است. بین سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۶ با سفر شیخ‌حمد آل‌ثانی به بلژیک و در پـی آن، سـفر فیلیـپ بـه قطر در رأس یک هیئت تجاری و همچنین، ورود نخستین کشتی حامل گاز مایع از قطر به بنـدر «زیبارگـه»[4] و بندر «آنتروپ»، توسعهٔ روابط قطر و بلژیک رسماً آغاز شد (Miniaoui, 2021, 66). دو کشور در نتیجـهٔ افزایش ارتباطات اقتصادی و سیاسی، چندین توافق‌نامهٔ دوجانبه را میـان خـود امضـا کرده‌انـد کـه قـرارداد مشاوره در حوزه مشارکت‌های سیاسی (که به عرصه‌های حکمرانی خوب مربوط می‌شود) در سـال ۲۰۱۳، توافق‌نامهٔ پرهیز از دریافت مالیات مضاعف در سال۲۰۰۷، و توافق برای تشویق سـرمایه‌گذاری دوجانبـه در سال ۲۰۰۸ ازجمله این موافقت‌نامه‌ها است. از دیدگاه ساختار تصـمیم‌گیر قطـر، توسـعهٔ روابـط بـا بلژیـک به‌عنوان یک کشور اروپایی و توانمند در حوزهٔ اقتصاد و همچنین، سهولت کسب‌وکار، می‌تواند به قطر در پیشبرد اقتصادسازی متنوع تعاملی و دانش‌محور کمک کنـد. همکاری‌هـای دوجانبـهٔ قطـر و بلژیـک، تنهـا محدود به اقتصاد و سیاسـت نبـوده و در بسـترهای آموزشـی، توسـعهٔ نهادهـای دانشـگاهی ماننـد تغییـر در سرفصل‌های آموزشی دانشگاه ملـی قطـر، و توافق‌نامـه‌های همکـاری میـان دانشـگاه «هاسـلت» بـا سـازمان حمل‌ونقل و ترافیک قطر برای مدیریت و حکمرانی شهری، نیـز توسـعه یافتـه اسـت. کلان‌روایـت قطـر از همکاری با دانشگاه هاسلت، توسعهٔ برنامه‌ریزی پژوهشی در سطح دانشگاهی، هموارسازی مسـیر گـذار بـه اقتصاد دانش‌بنیان و توسعهٔ اقتصادی پایدار، مدیریت شهری کارآمد، و ارتقای سطح گردشگری اسـت. در کنار این ارتباطات دوجانبه، تشکیل مجمع اقتصـادی قطرـبلژیک در سال ۲۰۱۸ بیـانگر گسـترش روابـط تعـاملی‌ـپراکنشی بـه‌منظور والونی‌سـازی (متنوع‌سـازی جهـانی) اقتصـاد سیاسـی بـوده اسـت. ایـن الگـوی اقتصادی، به‌این‌معناست که برای تنوع‌بخشی در حـوزهٔ اقتصـاد و توسـعه‌یافتگی اقتصـادی، لازم اسـت کـه

---

۱ Vitol & Argos Energy

۲ Credit Europe Bank

۳ International Netherlands Group (ING)

۴ Zeebrygge

الگویابی نوین و متنوعی که در پرتو انطباق‌گرایی بین‌المللی باشد، انجام شود تا کشورها به هاب منطقه‌ای-جهانی به‌عنوان یک الگوی توسعه‌گرا تبدیل شوند. با توجه به این سیاست، ساخت مجمع اقتصادی میان دو کشور بین سال‌های ۲۰۱۸–۲۰۱۷ سبب شد که حجم تجارت دوجانبهٔ قطر و بلژیک به ۹۳۸میلیون دلار برسد (Gulf Times, 2018).

یکی دیگر از کشورهایی که قطر در راستای پیگیری اقتصاد سیاسی تعاملی و به‌منظور متنوع‌سازی اقتصاد، ارتباطات گسترده‌ای با آن برقرار کرده است، آلمان است. آلمان و قطر ازجمله شرکای اقتصادی‌ای هستند که در سطوح گوناگون دوجانبه، با یکدیگر ارتباط دارند. در سال ۲۰۱۹، ارزش صادرات آلمان به قطر، حدود ۱۰۵ میلیارد یورو و واردات آلمان از قطر، تقریباً ۳۰۰ میلیون یورو بوده است. وسایل نقلیهٔ موتوری، هواپیما، و ماشین‌آلات صنعتی ازجمله کالاهای ردوبدل‌شده میان دو کشور بوده‌اند. شرکت‌های آلمانی بیشتر در ساخت نیروگاه، تولید انرژی‌های پاک، صنعت ساختمان‌سازی، و زیرساخت‌های حمل‌ونقل شهری در قطر فعالیت می‌کنند. همچنین، از سال ۲۰۱۷ به‌این‌سو و پس از تشکیل کمیسیون مشترک اقتصادی قطر ـآلمان[1] سطوح همکاری‌های اقتصادی و هموارسازی مسیر والونی‌سازی اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی قطر با سرعت زیادی به‌پیش می‌رود (Sibabrata et.al., 2018, 20-46). همچنین، قطر یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران خارجی در آلمان است که دارایی قابل‌توجهی در شرکت‌هایی چون فولکس‌واگن، دویچه‌بانک، زیمنس، و هاپاگ‌لوید دارد. افزون‌براین، دو کشور در سطوح آموزشی-دانشگاهی نیز دارای ارتباطات دوجانبه‌ای هستند؛ به‌عنوان مثال، مدرسهٔ بین‌المللی آلمان در سال ۲۰۰۷–۲۰۰۸ در دوحه افتتاح شد و از سال ۲۰۱۷–۲۰۱۶ آموزش‌های بین‌المللی را به زبان آلمانی و با آموزش آن به دانشجویان آغاز کرد؛ گفتنی است فرایند گسترش روابط در سطح آموزش در پیوند با بخش صنعت، به‌منظور تقویت اقتصاد دانش‌بنیان انجام شد. در کنار روابط یادشده، قطر و آلمان در راستای گسترش روابط فرهنگی با یکدیگر ارتباطاتی داشته‌اند؛ به‌عنوان نمونه، مجموعهٔ دولتی-هنری درسدن آلمان همراه با موزهٔ ملی قطر، طرح و برنامه‌های مشترکی را در راستای افزایش روابط فرهنگی و بسترسازی برای اشاعهٔ ارزش‌های مشترک میان دو کشور در سطح جهانی انجام داده‌اند. همچنین، گسترش روابط در حوزه‌های ورزشی مانند فوتبال، تنیس روی میز، و ساخت یک آکادمی فوق‌حرفه‌ای به‌نام آکادمی اسپایر[2]

---

۱. QGJEC (German – Qatar joint Economic Commission)

۲. Aspire

بیانگر گسترش روابط همه‌جانبۀ قطر و آلمان است (The Peninsula, 2021).

٤-٢. قطر و الگوی اقتصاد چرخشی در شرق آسیا

گسترش سطح روابط اقتصادی قطر، تنها به حوزۀ اروپا و آمریکا محدود نمی‌شود، بلکه این کشور با توجه به الگوی اقتصاد متنوع و تعاملی و با اعمال یک رهیافت اقتصاد چرخشی[1] به گسترش روابط اقتصادمحور در شرق آسیا با تأکید بر کشورهایی چون سنگاپور و ژاپن نیز توجه داشته است. یکی از اهداف راهبردی دیپلماسی اقتصادی فعال قطر (برپایۀ سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ و برنامه‌های توسعۀ ملی ۲۰۲۲-۲۰۱۶) افزایش روابط اقتصادی با کشورهای نوظهور در نظام بین‌الملل است که سنگاپور و ژاپن در این چارچوب قرار می‌گیرند. ظرفیت‌های اقتصاد انرژی و پتروشیمی، ازجمله بسترهای همکاری دوجانبه میان قطر و سنگاپور به‌شمار می‌آیند (Ervin Tok, 2016, 309-320). گفتنی است، اندازۀ جغرافیایی یک کشور در نظام بین‌الملل درحال‌گذار، به موفقیت آن در توسعه ربط چندانی ندارد، بلکه تعریف مسیرهای جدید برای همگرایی تعامل‌محور در حوزۀ ژئواکونومیک، ازجمله راهبردهای توسعه‌ای کشورها است که قطر و سنگاپور آن را به‌گونه‌ای مناسب انجام می‌دهند.

در سال ۲۰۱۹، حجم تجارت سنگاپور با قطر بیش از ۱۰/۶ میلیارد دلار بوده است که این رقم در سال ۲۰۲۰، با توجه به همه‌گیری کرونا، دچار مقداری افت شده است؛ اما تحلیلگران حوزۀ اقتصاد بین‌الملل ادعا می‌کنند که بین سال‌های ۲۰۲۴-۲۰۲۲ حجم تجارت میان سنگاپور و قطر به حدود ۱۳/۶ میلیارد دلار خواهد رسید. بخش زیادی از تجارت میان دو کشور مربوط به عرصۀ اقتصاد سیاسی هیدروکربنی بوده که قطر را به بزرگ‌ترین شریک تجاری سنگاپور در حوزۀ گاز مایع تبدیل کرده است (Alagos, 2021). شورای تجارت سنگاپور-قطر[2] که در سال ۲۰۱۷ ایجاد شد، به‌عنوان یک مجموعۀ اقتصادی، در ایجاد فرصت برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های انرژی، محیط‌زیست، برنامه‌ریزی شهری، حکمرانی الکترونیک، و دیجیتالی‌سازی نظام سیاسی (دولت الکترونیک) به تعیین اولویت و هدف‌گذاری پرداخته است. همچنین، متناسب با تشکیل این نهاد، قطر در سال ۲۰۱۸، به‌میزان ۱/۳میلیارد دلار در بخش‌های مالی، بیمه، دولت، و بورس سنگاپور سرمایه‌گذاری کرده است. گسترش سطح روابط همه‌جانبه میان دو کشور سبب

---

1. Circular Economic
2. Singapore Business Council Qatar (SBCQ)

شده است که قطر و سنگاپور، به‌عنوان اعضای فعال و سازندهٔ نظام بین‌الملل شناخته شوند و این گسترش روابط، در کسب وجهه و مشروعیت به آنان کمک کرده است.

ژاپن یکی دیگر از کشورهای متحد قطر در شرق آسیا است. روابط میان قطر و ژاپن، که از دههٔ ۱۹۸۰ برقرار شده است، از جنبه‌های اقتصادی، شامل بسترهای سرمایه‌گذاری، آموزشی، تحقیقات علمی-پزشکی،علم و فناوری، گردشگری، توسعهٔ زیرساخت‌های داخلی، و توانمندسازی منابع انسانی برای حکمرانی شایسته است. نهادهایی مانند انجمن دوستی دو کشور و اتحادیهٔ پارلمانی ژاپن در گسترش روابط دوجانبه که شامل شرکت‌های دولتی-خصوصی می‌شود، نقش پررنگی دارند. در حوزهٔ اقتصادی، قطر بزرگ‌ترین کشور عرضه‌کنندهٔ نفت و گاز به ژاپن است و حجم تجارت میان دو کشور در طول سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۲ به ۳۳/۷ میلیارد دلار رسیده بود (Aguilar, 2020). همچنین، تعریف طرح‌های اقتصادی در قالب انرژی‌های خورشیدی در سال ۲۰۱۹، یکی دیگر از بسترهای ارتباطی قطر و ژاپن به‌شمار می‌آید که چنین طرحی میان دو کشور به ایجاد رویکرد اقتصاد چرخشی و تعامل‌محور پراکنشی و نیز کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد سیاسی هیدروکربنی بسیار کمک می‌کند.

روابط قطر با چین نیز ازجمله حوزه‌های ارتباطی در محدودهٔ شراکت راهبردی[1] است. روابط بین دو کشور به‌واسطهٔ برنامهٔ یک کمربند یک راه در حوزه‌های زیر به بستری برای همکاری راهبردی تبدیل شده است که عبارتند از: هماهنگی سیاست‌ها، اتصال، تجارت، سرمایه‌گذاری، همکاری انرژی و مالی، روابط نظامی، گردشگری و فرهنگی. به‌طورکلی سومین شریک تجاری قطر، کشور چین است که با ۱۰/۹۲ درصد از کل حجم تجارت، به یکی از شرکای مهم منطقه‌ای آن تبدیل شده است. همچنین، همکاری چین در ساخت ورزشگاه لوسیل برای برگزاری جام جهانی فوتبال، ارتباطات در حوزهٔ انتقال فناوری 5G و ایجاد یک شبکهٔ مجازی ـسایبری با طیف ۳/۵گیگاهرتز، از دیگر حوزه‌های تعاملی میان دو کشور است (Chaziz, 2020, 82-85). در کنار این موارد، همکاری‌های مالی قطر و چین به‌منظور ایجاد یک سامانهٔ پایدار ارزی، و گسترش دامنه و مقیاس ارزهای دوجانبه در قالب فاینانس مالی‌ـارزی میان بانک ملی قطر، بانک توسعهٔ قطر، و بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا[2]، نمونه‌هایی از ارتباطات اقتصادی ـارزی چین و قطر به‌شمار می‌آیند.

---

1. Strategic Partnership
2. Asia Infrastructure Investment Bank (AIIB)

٤-٣. چشم‌انداز اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی قطر و رفتارسازی خودگسترشی[1] در سیاست خارجی

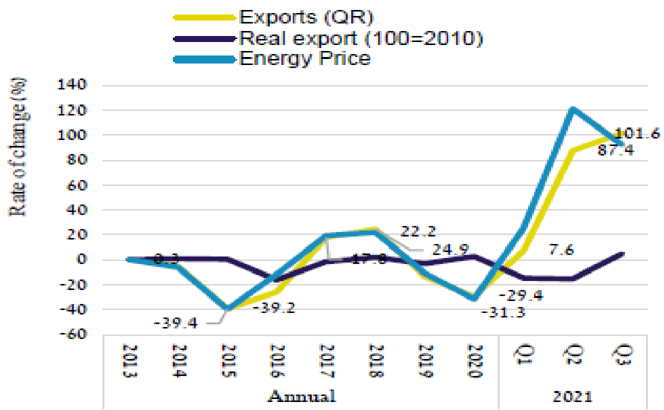
رویکرد خودگسترشی در سیاست خارجی و اقتصاد سیاسی تعاملی قطر به‌این‌معناست که دولت در پی بیشینه‌سازی تأمین منافع و کمینه‌سازی تهدیدهای بین‌المللی و منطقه‌ای با استفاده از پویش‌های اقتصادی-سیاسی است؛ به‌عنوان مثال، تشکیل اوپک گازی توسط قطر به‌منظور افزایش همگرایی در حوزهٔ اقتصاد سیاسی انرژی در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به‌دلیل افزایش سطح تقاضا در بازارهای جهانی به‌عنوان یک سازهٔ قدرت‌ساز خودگسترش‌دهنده انجام شد (Mossalanejad, 2021, 12). در پرتو این سیاست، قطر در پی گسترش روابط اقتصادی خود با قدرت‌های مطرح بین‌المللی ـمنطقه‌ای در چارچوب فرایند دائمی انطباق[2] است. به‌این‌معنا که قطر با برقراری پیوندهای نزدیک منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با کشورهایی مانند روسیه و سرمایه‌گذاری ۲/۷میلیارد دلاری و خرید سهام شرکت «روسنفت» تلاش خود را برای تعاملات شبکه‌ای و خودگسترشی تعامل‌محور انجام داده است. همچنین، این کشور در سال ۲۰۱۷ با تأکید بر سیاست نگاه به شرق آسیا، قرارداد صادرات ۲/۵میلیون تن گاز مایع با بنگلادش را به‌امضا رساند تا بتواند تا سال ۲۰۲۵ ظرفیت تولیدی شرکت پتروپنگال را افزایش دهد. به‌طورکلی، از سه‌ماههٔ نخست سال ۲۰۲۱ با کاهش قیمت‌های حامل انرژی و پایداری در صادرات پایهٔ قطر برمبنای سال ۲۰۱۰، رویکرد اقتصادی صادراتی قطر از اواخر سال ۲۰۲۰ و در طول سال ۲۰۲۱، روند روبه‌رشدی داشته است (شکل شمارهٔ ۲) که این تغییرات، بیانگر رویکرد خودگسترشی و انطباق‌گرایی با نظام بین‌الملل در چارچوب اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی و در راستای قدرت‌سازی ژئوپلیتیکی بوده است.

شکل شمارهٔ (۲). ارزش واقعی و جاری صادرات قطر

---

[1] Self-Extension

[2] Perpetual Process of Adaption



Source: Qatar Economic Outlook 2021-2023

به‌طور کلی، چشم‌انداز اقتصاد سیاسی قطـر، یـک برنامـه‌ریزی توسـعه‌گرایانهٔ فراکنشـی بـه‌معنای کنشـگری فعالانه در حوزه‌های اقتصادی متنوع در پرتو یک قدرت رابطه‌ای[1] با استـفاده از سـازه‌های داخلـی‌ای ماننـد بنیاد قطر و صندوق سرمایه‌گذاری قطر است. چارچوب قدرت رابطه‌ای قطر در بستر اقتصاد سیاسی تعـاملی در سه محور به‌شرح زیر بسیار موردتوجه بوده است که نظام حکمرانی قطـر از ایـن محورهـا بـرای کسـب قدرت و وجههٔ جهانی بهره می‌برد (Keivan Hosseiny, 2021, 81):

۱. آگاهی از نظم و ساختار نظام بین‌الملل به‌منظور تحول و متنوع‌سازی قدرت؛

۲. توجه به قدرت مادی و اشاعهٔ آن در منطقه و فرامنطقه به‌منظور پیشبرد منافع و اهداف اقتصادی کلان؛

۳. پافشاری بر تأمین منافع و کسب اعتبار جهانی به‌عنوان یک قدرت نوپدید.

الگوی اقتصادی کشورهای نوپدیـد در نظـام بین‌الملـل را کـه از توانایی‌هـای ارتبـاطی گسـتردهٔ بین‌المللی برخوردارند می‌تـوان الگـوی اقتصـادی چنـدبرداری[2] برپایـهٔ کنشـگربودگی، مفصـل‌بندی کـرد (Ahmadi Lafuraki & Talebi Arani, 2019, 14). این الگو، به‌این‌معنا است که دولت در وهلهٔ نخست با تأکیـد بـر تضمین استقلال ملی خود به گسترش روابط متوازن اقتصادی با شرکا در سطح منطقـه‌ای و بین‌المللـی و در قالب موضوع‌های گوناگون روی می‌آورد که به‌نوعی امتداد الگوی خودگسترشی است. دولت قطر به این مسئله پی برده است که در شرایط درهم‌تنیدهٔ نظام جهانی، اشاعهٔ الگوهای نوپدید برای کسب اعتبار و نفوذ

---

1. Relation Power
2. Model Economic Multivectorism

بین‌المللی، یـک ضـرورت گریزناپـذیر اسـت. بـه‌همین‌دلیل، شبکه‌سـازی بـرای ارتباطـات چندجانبـه در دستورکار این کشور در خاورمیانه، شرق آسیا، و اروپا قرار گرفتـه اسـت (Hafeznia, 2017, 1). انگیـزه و پیشـران اصـلی چنـین رفتـاری، افـزایش سـطح تعـاملات سـازنده و شبکه‌ای ـخوشه‌ای بـا تأکیـد بـر عامـل ژئواکونومی است که می‌تواند تهدیدهای موجـود را بـه فرصـت تبـدیل کنـد؛ بـه‌عنوان نمونـه می‌تـوان بـه اقدامات اقتصادی‌ـسیاسی قطر پس از سال ۲۰۱۷ اشاره کرد. این کشور که توسط عربستان سعودی تحـریم شـده بـود، توانسـت بـا انطبـاق فعـال جهـانی، تهدیـد پـیش‌رو را در پرتـو یـک رویکـرد منطقه‌گرایانـه و فرامنطقه‌گرایانه به فرصت تبدیل کنـد (Baysoy, 2020, 12-13) و بـه‌عنوان یـک قـدرت نوپدیـد شـناخته شود. برهمین‌اساس، رویکرد منطقه‌گرایی و فرامنطقه‌گرایی اقتصادی قطر در قالب خودگسترشی سبب شـد که شـاخص‌های اقتصـادی قطـر در منطقـهٔ خاورمیانـه، نسبت بـه بـازیگران دیگـر، از شـرایط مناسـب‌تری برخوردار باشد. به‌گونه‌ای که شاخص رقابت‌پذیری جهانی آن در سال ۲۰۱۸، با ۷۳/۳ درصـد در رتبـهٔ ۲۸ جهان قرار گرفت و شاخص آزادی اقتصادی آن نیز در سال ۲۰۱۹ با ۷۴/۶ درصد، در رتبهٔ ۱۸ جهـان قـرار داشت. برپایهٔ آمار یادشده، قطر تـلاش کـرده اسـت بـا اعمـال یـک رویکـرد فعـال بین‌المللی ـمنطقه‌ای در قالب‌های اقتصادی و سیاسی، به‌عنوان یک قدرت، بازشناسی شود (Fawcett, 2020, 306) و به‌عنوان یک کنشگر توانمند از توانایی امنیت‌سازی منطقه‌ای برخوردار باشد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تحلیل مناسبات اقتصادی کشورهای نظام بین‌الملل در چـارچوب روایت‌های اقتصاد سیاسی می‌تواند بیانگر سنجش میزان توسعه‌یافتگی و الگوهای اعمالی اقتصادی آنان در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. درهمین‌راسـتا و در قالـب تحلیـل الگوهـای ژئواکونـومیکی می‌تـوان بـا کاربست خوانش‌های اقتصاد سیاسی به فهم الگوهای اقتصادی کشورها در نظام بین‌الملل دست یافت. آنچه در این نوشتار بیشتر بر آن تأکید شده است، تلاش برای بازفهمی الگوهای دیپلماسی اقتصادی قطر در نظـم ژئوپلیتیکی منطقه و فرامنطقه‌ای در جریان تولید قدرت و ثروت برای نقش‌یابی، حضور بین‌المللـی، کسـب وجهه، و مشروعیت جهانی و تأمین منافع این کشور است. عوامل پرشماری باعث شده‌اند که قطر در منطقهٔ خاورمیانه دارای جایگاه ویژه‌ای بوده و به‌عنوان یک دولت کوچک از قدرت بالای بین‌المللـی برخـوردار باشد. این عوامل عبارتند از: تصمیم ساختار نخبگانی این کشور برای متفاوت بودن و قـدرت‌یابی، اسـتفاده از درآمد اقتصاد سیاسی هیدروکربنی در راستای متنوع‌سازی الگوهای اقتصادی در نظـام جهـانی بـه‌منظور ایجـاد اقتصـاد سیاسـی تعاملی ـپراکنشی، عقلانیـت ارتباطی ـاقتصادی در برقـراری روابـط اقتصـادی در

خاورمیانه، آسیای شرقی، اروپا، و گسترش روابط با ایالات‌متحده آمریکا، نهادسازی فراگیر دموکراتیک برای تغییر چهرهٔ بین‌المللی (مانند برگزاری انتخابات پارلمانی اکتبر ۲۰۲۱ به‌منظور کسب مشروعیت)، هم‌ترازی نهادهای داخلی (مانند بنیاد قطر و سازمان سرمایه‌گذاری قطر) با الگوهای اقتصادی در تجارت و اقتصاد بین‌الملل که بتواند متناسب با هر ساختار ژئوپلیتیکی‌ای، الگوی مناسبی را انتخاب کند و در راستای هیبریدی‌سازی اقتصاد به‌کار بندد. به‌بیان روشن‌تر، قطر با رویکرد سرمایه‌گذاری خارجی و پذیرش سرمایهٔ بین‌المللی و گسترش روابط با کشورهایی که خواهان اقتصاد انرژی هستند، الگوهای متنوعی را برای ساخت یک اقتصاد توسعه‌یافته و تعامل‌محور تنظیم کرده است. به‌طورکلی، پژوهش حاضر نشان داد که قطر از راهبرد متنوع‌سازی رفتاری اقتصادمحور برای گسترش حوزهٔ نفوذ خود در سطح بین‌المللی به‌وسیلهٔ تعاملات چندجانبه، بهره گرفته است تا بتواند ضمن کسب منافع اقتصادی به‌عنوان یک بازیگر فعال، بازشناسی شود. در پایان باید اشاره کنیم که کشورهای منطقه می‌توانند از الگوی اعمالی قطر برای تولید قدرت و ثروت برپایهٔ توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خود بهره ببرند؛ برای مثال، جمهوری اسلامی ایران با تقویت سیاست همسایگی، گذار از گفتمان‌های تنش‌زا در سیاست خارجی، توجه به دانش‌بنیان‌سازی اقتصاد، ارتقای مزیت رقابتی محصولات داخلی، افزایش تولید کالای باکیفیت به‌منظور صادرات آن در منطقه و فرامنطقه (صادرات‌محورسازی اقتصاد)، خنثی‌سازی تحریم‌ها از طریق افزایش تعاملات منطقه‌ای و میان‌منطقه‌ای با کشورهای شرق آسیا و دولت‌های منطقه مانند قطر، وارد کردن فناوری از کشورهای دارای فناوری‌های نوین و تولید کالا متناسب با آن، غفلت نکردن از بازارهای منطقه‌ای، تقویت بخش خصوصی، و... می‌تواند امکان ظرفیت‌سازی برای پیشرفت اقتصادی را فراهم کند.

References

Adami, A & Ansari, M. H (2020). Qatar's Foreign Policy Priorities in relation with the European Union. *Political Science Quarterly*, *16*(51), 23-45. [in Persian].

Aguilar, J (2020). *Qatar – Japan Strong Bilateral Elation Highlighted*. available at: http://GulfTimes.com./qatar-japan-strong-bilateral-relation-highlighted./.

Aguilar, J (2020). *Qatar–Japan Strong Bilateral Relation Highlighted*. available at: http://GulfTimes.com./qatar-japan-strong-bilateral-relation-highlighted./.

Ahmadi Lafuraki, B & Talebi Arani, R (2019). A Reevaluation on Regional Studies Model to Promote the Applied Fundametals of Inter-Regional Security Ralations Patterns. *Political and International Approaches*, *10*(10), 12-42. [in Persian].

Alagos, P (2021). *Great Potential for Qatar, Singapore to Deepen Economic Ties, Says Envoy*. available at: http://GulfTimes.com./great-potential-for-qatar-singapore-to-deepen-economic-ties-says-envoy./

Auge, B (2017). *Diplomatic Relation between Qatar and sub-Saharan African*. available at: http://www.ifri.org./diplomatic-ralation-between-qatar-and-sub-sahran-african-pdf.

Barrett, N. F (2019). Dissipative Systems and Living Bodies. *Adaptive Behavior*, DOI: available at: htpp://www.doi.org/1059712319841306.
Baysoy, E (2020). New-Regionalism: The Slipknot of the Two Rival Trends? *Athens Journal of Mediterranean Studies*, 6, 11-20.
Black will, R; Harris, J (2016). *War by Order Means*. Harvard University Press.
Cammett, M & et.al. (2018). *A Political Economy of the Middle East*. New York: Routledge.
Clemons, E (2019). *New Patterns of Power and Profit: A Strategist's Guide to Competitive Advantage in the Age of Digital Transformation*. Springer international Publishing; Palgrave MacMillan.
Chaziza, M, (2020). China-Qatar Strategic Partnership and the Realization of One Belt, One Road Initiative. *China Report*, *56*(1), pp.78-102. DOI: 10.1177/0009 445519895612.
Dehghani Firoozabadi, J (2014). *Thories of Regional Integration and International Regimes*. Tehran, Publication: Mokhatab. [in Persian].
Ervin tok, M. & et al. (2016). *Policy-Making in a Transformative State: Case of Qatar*. Palgrave Macmillan.
European Commission, (2020). *European Union, Political Relation with Qatar*. Retrieved, 23/9/2020/ from European Commissions, available at: http://www.eeas.europa/eu/headquatter/.
Faweet, L (2020). *Regionalism in the Middle East and North African*, in the Routledge Handbook.
Florida, R., (2019). *Cities and the Creative Class*. New York, NY: Rutledge.
Ghasemi, F (2022). A Step towards the Theoretical Model of Dissipated and Bifurcated Order in the New International Politics. *International Quarterly of Geopolitics*, *18*(65). [in Persian].
Gremm, J. et.al. (2018). *Transitioning towards a Knowledge Society: Qatar as a Case Study*. Springer.
Gulf Times, (2018). *Qatar, Belgium Enjoy Outstanding Relation*. available at: http://gulf-Times.com/qatar-belgium-enjoy-outstanding-relations-06-march-2018/.
Hafeznia, M. R. (2017). Active Geo-Strategic Faults in the World. *International Quarterly of Geopolitics*, *12*(4).
Karanisa, T & et.al, (2021). Agricultural Production in Qatar's Hot Arid Climate. *Journal Sustainability (MDPI)*, 13(7). pp.1-25. available at: http://doi.org/10.3390/su13074059/.
Karanisa, T. (2020). *Agricultural Production in Qatar*. http://www.encyclopedia.pub/9932.
Keivan Hosseiny, A. (2021). The Effect of Relational Power Conception on International Power Studies. *World Politics a Quarterly Journal*, *10*(35). pp. 69-100. [in Persian].
Lanhoso, F & Coelho, D. A (2020). *Emergence Aiming Innovation for Sustainability*.
Martin, R. et.al., (2021). *Geopolitics of the Knowledge-based Economy*. Routledge.
Mason, R (2020). *Small-State Aspirations to Middlepowrhood: The Cases of Qatar and the uae*. New York: Oxford University Press.
Miniaoui, H, (2021). *Economic Development in the Gulf Cooperation Council Countries: From Renter States to Diversified Economies.* qatar university: Springer.
MokhtariHashi, H (2018). Explaining the Concept of Geo-economics and Recommendations for Iran. *International Quarterly of Geopolitics*, 14(50). [in Persian].
Mossalanejad, A. (2021). Analyzing the Effect of Geo-economics in Saudi-Qatar Rivalries.

International Quarterly of Geopolitics 17(62). [in Persian].
Nephew, R. (2020). *The Qatari Sanction Episode: Crisis, Response, and Lessons Learned*. available at: http://www.energypolicy.columbia.edu.
Oatley, T. (2020). *International Political Economy*. Routledge.
Schleifer, R (2018). *A Political Economy of Modernism*. England: Cambridge University Press.
Shields, S. (2020). *The International Political Economy of Transition*. Routledge.
Sibabrata, D, Mourmouras, A & Rangazas. P. (2018). *Economic Growth and Development*. Publisher: Springer.
Trend Economy, (2019). *Qatar's Imports and Exports*. available at: http://trendeconomy.com/data/h2/qatar/Total/.
USA Today (2019). *These are the 25 Richest Countries in the World*. available at: https://www.uastody.com/story/money/2019/07/07/richest-countries-in-the-world-/39630693.
The Peninsula, (2021). *Qatar, Germany Trade Reaches $830m in H1*. available at: http://thepeninsulaqatar.com/qatar-germany-trade-reaches-$830m-in-h1./.
Wilkinson, E (2020). *Resilience and Deterrence: Exploring Correspondence between the Concepts*. in Deterrence, 19-33.
Qatar Economic Outlook 2021-2023. *Planning and Statistics Authority*. available at: http://www.psa.gov.qa/en/knowledge1/Publications/pages/qeo.aspx/.
Yordanov Georgiev, G, et.al (2019). *Evolution, Development and Complexity: Multiscale Evolutionary Models of Complex Adaptive*. Springer.
Yu, F. L (2017). Neomercantilism Policy and China's Rise as a Global Power. *Contemporary Chinese Political Economy and Strategic Relations*, *3*(3), 1043-XV.
Zhang, X; et.al (2018). *A CasCading Failure Model for Command and Control Networks with Hierachy Structure. Security and Communication Networks.*
Zheng, Z. (2021). An Introduction to Emergence Dynamics in Complex System. *In Frontiers and Progress of Current Soft Matter Research*. pp. 133-196: Springer.
Zibaei, M (2020). The New Emerging Middle Powers within the New Middle East: UAE and Qatar. *Foreign Relations Quarterly*, *12*(2), 309-336. [In Persian].
Zweiri, M (2021). Contemporary Qatar: Examining State and Society. Publisher: Springer.